-- Language Science ---------
Corona Special Letter, 2022, Vol. 8, 197-222
ls.atu.ac.ir
DOI: 10.22054/ls.2021.45537.1265

ATU PRESS

Original Research

Conceptual and Semantic Explanation of Persian Idioms Based on Conceptual Blending Theory

Ghazal Baghbani *
Ph.D. students of Linguistics, Faculty of Humanities, Payame Noor University, Iran

Fatemeh Karampour
Assistant Professor of Linguistics, Faculty of Humanities, Payame Noor University, Bushehr, Iran

Abstract

Idioms are an inseparable part of any language. Therefore, people frequently use them in everyday speech. Since idioms have complex semantic structures, in order to understand their meaning and main message, one needs to use their allegorical meaning depending on the different semantic fields to which they belong. In this research, authors tried to explain the concepts of Persian idioms with the help of Conceptual Blending theory of Fauconnier and Turner (2002). This research method is a qualitative one. Authors consider numerous idioms in Persian language but due to the limitations they had in data analysis, they selected 15 of the most frequent ones among them and used them in this research. The results revealed that we can explain and describe the idioms on the basis of the Conceptual Blending theory; in this way and by conceptually combining the elements of illustration with the figurative atmosphere which exists in the idioms, we can understand their meanings and intentions.

Keywords: Idiom, Conceptual blending, Metaphor, Mental image, Conceptual space.

eISSN: 2538-2551 ISSN: 2423-7728 Accepted: 03/Feb/2021 Received: 27/Apr/2020

* Corresponding Author: g.baghbani83@gmail.com

How to Cite: Baghbani, Gh., Karampour, F. (2021). Conceptual and Semantic Explanation of Persian Idioms Based on Conceptual Blending Theory. *Language Science*, Corona Special Letter, Vol. 8, 197-222. Doi: 10.22054/ls.2021.45537.1265

مقاله پژوهشی

-- علم زبان ---------

دوره ۸، ویژه‌نامه کرونا، ۱۴۰۰، ۱۹۷-۲۲۲

ls.atu.ac.ir

DOI: 10.22054/ls.2021.45537.1265

بررسی و تبیین معنا و مفهوم اصطلاح‌های فارسی برمبنای نظریهٔ آمیختگی مفهومی

غزل باغبانی * دانشجوی دکتری تخصصی زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

فاطمه کرمپور استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام‌نور، بوشهر، ایران

چکیده

اصطلاح‌ها، بخش جدانشدنی از زبان را تشکیل می‌دهند و در گفتار روزمرهٔ افراد به‌وفور یافت می‌شوند. اصطلاح‌ها دارای ساخت معنایی پیچیده‌ای هستند و درک معنا، مفهوم و پیام اصلی آنها، مستلزم درنظرگرفتن کاربرد معنای مجازی باتوجه‌به حوزه‌های معنایی متفاوت‌شان است. در پژوهش حاضر، نگارندگان با کمک نظریهٔ آمیختگی مفهومی فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲)، به تبیین معنایی اصطلاح‌های فارسی پرداخته‌اند. روش پژوهش حاضر، از نوع کیفی است. نگارندگان به بررسی بی‌شمار اصطلاح در زبان فارسی پرداخته‌اند؛ اما به‌دلیل کمبود فضا، برای تحلیل داده‌های خود در این پژوهش به ۱۵ نمونه از اصطلاح‌های رایج زبان فارسی اکتفا کرده‌اند. نتیجه حاکی از آن بود که نظریهٔ آمیختگی مفهومی، به تبیین و توصیف اصطلاح‌ها کمک می‌کند، بدین صورت که از تلفیق مفهومی عناصر تصویرسازی و فضای تصویری موجود در اصطلاح‌ها، می‌توان به معنا و مفهوم آنها پی برد.

کلیدواژه‌ها: اصطلاح، آمیختگی مفهومی، استعاره، تصویر ذهنی، فضای مفهومی.

* نویسندهٔ مسئول: g.baghbani83@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

ISSN: ۲۴۲۳-۷۷۲۸ eISSN: ۲۵۳۸-۲۵۵۱

۱. مقدمه

یکی از نظریات معنایی جدید که تلاش می‌کند برخی مفهوم‌سازی‌های زبانی (اعم از ادبی و غیرادبی) را در چارچوبی منسجم تحلیل کند، نظریهٔ آمیختگی مفهومی[1] است (پورابراهیم، ۱۳۹۶: ۶۶). نظریهٔ آمیختگی مفهومی یکی از نظریه‌های مهم دربارهٔ فرایندهای شناختی است. طبق این نظریه، ذهن انسان ساختارها را از یک قلمرو می‌گیرد و آن را با عناصری در قلمروی دیگر ترکیب کند و این‌گونه، تصاویر ذهنی[2] و مفاهیم جدیدی را شکل می‌دهد. آمیختگی، در حقیقت، عملکردی ذهنی و بنیادین در انسان است که اصول و ساختار خاص خود را دارد. فوکونیه و ترنر[3] (۲۰۰۲) بر این باورند که آمیختگی بخشی اساسی از ماهیت و طبیعت انسان محسوب می‌شود و این امر که انسان می‌تواند فضاهای ذهنی[4] و مفهومی متناقض را با هم ترکیب کند، او را، به‌لحاظ زبان‌شناختی، به فردی مدرن و پیشرفته تبدیل می‌کند (اردبیلی، ۲۰۱۸). آمیختگی مفهومی از موضوعات حوزهٔ معنی‌شناسی شناختی است که به تبیین مسئلهٔ شکل‌گیری فضاهای مفهومی درهم‌تنیده در زبان می‌پردازد (پورابراهیم، ۱۳۹۶: ۶۶). معنی‌شناسی شناختی به بررسی رابطهٔ بین نظام مفهومی و ساختار معنایی در زبان می‌پردازد (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۰). همچنین، ترنر (۱۹۹۱)، که به تحلیل برخی از ساختارهای زبان‌شناختی روزمره پرداخته است، عقیده دارد آمیختگی مفهومی بخشی از تفسیر معنایی و کاربردی این ساختارها به شمار می‌رود.

هدف از پژوهش حاضر، تبیین و توصیف معنا و مفهوم اصطلاح‌های رایج فارسی برمبنای نظریهٔ آمیختگی مفهومی است. مفهوم اصطلاح‌ها را می‌توان از نظر معنایی تحلیل و بررسی کرد و به تحلیل مؤلفه‌های معنایی تشکیل‌دهندهٔ آنها پرداخت. ازآنجایی‌که نظریهٔ آمیختگی مفهومی، به درک چگونگی ایجاد مفاهیم پیچیده کمک می‌کند، نگارندگان در پی پاسخ به این پرسش‌اند که آمیختگی مفهومی تا چه حد قادر است در تبیین و توصیف اصطلاح‌ها نقش داشته باشد. دررابطه‌با تجزیه‌وتحلیل اصطلاح‌های رایج زبان فارسی برمبنای نظریهٔ آمیختگی مفهومی، پژوهشی مستقل صورت نگرفته است؛ اما پژوهشگران متعددی، با استفاده از این نظریه، در حوزه‌های مختلف، مانند داستان‌ها، قصه‌های عامیانه

1. conceptual blending
2. mental images
3. Fauconnier, G., & Turner, M.
4. mental spaces

ایرانی، علوم قرآنی (سبک بلاغی قرآن، وجوه و نظایر، تصویرسازی‌های قرآنی و ساختار زبانی) و روند شکل‌گیری اصطلاح‌های فارسی خودمانی جوانان، به پژوهش دست زده‌اند. نگارندگان به بررسی اصطلاح‌های پرشماری در زبان فارسی پرداخته‌اند، اما به دلیل محدودیت قالب مقاله، داده‌های کمی در این مقاله گنجانده شده است. همچنین، این نوع پژوهش می‌تواند الگویی باشد برای پژوهش درخصوص سایر اصطلاح‌ها در حوزه‌های مختلف و همچنین ضرب‌المثل‌ها که در گفتار روزمرهٔ افراد جامعه کاربرد بسیار وسیعی دارند.

۲. پیشینهٔ پژوهش

در این بخش، به پژوهش‌های مرتبط با موضوع آمیختگی مفهومی اشاره می‌شود. پژوهشگران متعدد غیرایرانی و ایرانی به تحقیق و بررسی در این حوزه پرداخته‌اند. به‌طورکلی، مطالعات دربارهٔ نظریهٔ آمیختگی مفهومی از سال ۱۹۹۴ آغاز شد. فوکونیه و ترنر (۱۹۹۴) باتوجه‌به نظریه‌های شناختی پیشین، و همچنین برای تکمیل و تبیین «نظریهٔ معاصر استعاره»[1] از لیکاف و جانسون[2] (۱۹۸۰) و نظریهٔ «فضاهای ذهنی» از فوکونیه (۱۹۸۵)، مقاله‌ای با عنوان «ادغام مفهومی و بیان رسمی» نوشته‌اند. پژوهشگران ایرانی، به‌کمک نظریهٔ آمیختگی مفهومی، به بررسی و تجزیه‌وتحلیل در حوزه‌های مختلف، مانند داستان‌ها، قصه‌های عامیانهٔ ایرانی، علوم قرآنی (سبک بلاغی قرآن، وجوه و نظایر، تصویرسازی‌های قرآنی و ساختار زبانی) و روند شکل‌گیری اصطلاح‌های فارسی خودمانی جوانان، دست زده‌اند؛ اما دربارهٔ اصطلاح‌های رایج زبان فارسی پژوهشی مستقل صورت نگرفته است. همچنین، پژوهشگران غیرایرانی، در تحقیقات وسیعی، به بررسی معنا و مفهوم آمیختگی مفهومی پرداخته‌اند؛ از جمله فوکونیه (۲۰۰۰)، فوکونیه و ترنر (۱۹۹۴، ۱۹۹۸، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳)، سیندینگ[3] (۲۰۰۵)، دنسی‌جیر[4] (۲۰۰۶)، سمینو[5] (۲۰۰۶)، گریدی و همکاران[6] (۱۹۹۹).

1. the contemporary theory of metaphor
2. Lakoff, G., & Johnson, M.
3. Sinding, M.
4. Dancygier, B.
5. Semino, E.
6. Grady, J. et al.

فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲)، در کتاب *شیوهٔ اندیشیدن ما*، به معرفی نظریهٔ آمیختگی مفهومی پرداخته‌اند. همچنین آنها در مقالهٔ «آمیختگی مفهومی، صورت و معنا»، به بررسی معنا و مفهوم آمیختگی مفهومی و نقش مهمی که در زندگی روزمره، به‌خصوص علوم اجتماعی و رفتاری دارد، پرداخته‌اند (Fauconnier & Turner, 2003). آنها در این پژوهش، با درنظرگرفتن روابط بین اَشکال زبانی و الگوهای ساخت معنا از طریق ادغام مفهومی و فشرده‌سازی، زبان (به‌ویژه دستور زبان) را ابزار فرهنگیِ محکمی برای ایجاد و انتقال طرح‌های ترکیبی دانسته‌اند و آمیختگی را ویژگی مهمی در دستور زبان به شمار آورده‌اند. دستور زبان متشکل از مجموعه‌ای از صورت‌های مستقل تعیین‌شده و جنبه‌ای از ساختار مفهومی و تکامل‌یافتهٔ آن است.

سیندینگ (۲۰۰۵)، با اشاره به کتاب *اولیس*[1] اثر جویس[2] (۱۹۲۲)، نشان داده است که محتوای این کتاب می‌تواند فرایندهای آمیختگی ترکیبی سودمندی حاصل از فضاهای ذهنی موازی را ممکن سازد، به‌گونه‌ای که می‌توان در پس روایت‌های گسستهٔ متن به اتحاد و پیوستگی دست یافت (اردبیلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۰).

از پژوهشگران ایرانی، می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد:

پورابراهیم (۱۳۹۶) در «کاربست نظریهٔ آمیختگی مفهومی در مفهوم‌سازی شهادت در شعر پایداری»، از منظر آمیختگی مفهومی، به بررسی شواهد شعری مربوط به ادبیات پایداری با مضمون شهادت پرداخته است. نتیجهٔ این بررسی نشان داد که در مفهوم‌سازی شعری شهادت، حوزهٔ دروندادی شهادت با حوزه‌های دروندادی پرواز، غروب، رویش و برگ‌ریزان تلفیق شده است. این چهار فضای دروندادی در ترکیب با فضای شهادت، فضاهای آمیختهٔ غیرممکنی را در عالم واقع می‌سازند و به زندگی پس از مرگ، اعتلا و جاودانگی شهید اشاره می‌کنند. به‌طورکلی، این پژوهش نشان داد که می‌توان به‌کمک نظریهٔ آمیختگی مفهومی، به چگونگی ایجاد مفاهیم پیچیده و چندمؤلفه‌ای در حوزهٔ پایداری پی برد.

دعوت‌خواه و همکاران (۱۳۹۵) در مقالهٔ «ساختار زمان در رمان چشم‌هایش از منظر معنی‌شناسی شناختی»، به بررسی شیوهٔ مفهوم‌سازی زمان در قلمروی زبان پرداخته‌اند.

---

1. *Ulysses*
2. Joyce, J.

همچنین، آنها با اتکا بر نظریهٔ فضاهای ذهنی و گونهٔ متأخر آن، یعنی آمیختگی مفهومی، به بررسی ساختار زمان براساس رویدادهای داستان و نحوهٔ پیوند خوردن این رویدادها در زنجیرهٔ زمان پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه دست یافته‌اند که فضاهای روایی در یک مسیر زمانی، براساس سه عنصرِ زاویهٔ دید، کانون و رویداد، ساختار می‌یابند و این فضاها، بر پایهٔ اجزای درونی خود، و باتوجه‌به الگویی مفهومی، به یکدیگر پیوند خورده‌اند و زنجیرهٔ رویدادهای داستان را شکل می‌دهند.

عامری و همکاران (۱۳۹۴)، در مقالهٔ «بررسی فضاهای ذهنی در متون خبری روزنامه‌های ایران»، در چارچوب نظریهٔ فضاهای ذهنی، به بررسی اخبار منعکس‌کننده توسط روزنامه‌های فارسی‌زبان پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که نویسندگان اخبار، با استفاده از فضاهای ذهنی متفاوت، افکار و عقاید خود را به مخاطبان القا و جریان انعکاس خبر را به سمت‌وسویی هدایت می‌کنند که فضای پایه، یعنی تیتر خبری، بر مبنای آن شکل گرفته است و نتایج پژوهش می‌تواند در تحلیل گفتمان‌های خبری کاربرد داشته باشد.

اردبیلی (۱۳۹۲) در رسالهٔ دکتری خود، با عنوان *معناشناسی شناختی و کارکرد نظریهٔ آمیختگی مفهومی در قصه‌های عامیانه ایرانی*، با درنظرگرفتن نظریهٔ آمیختگی مفهومی فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲)، در تلاش بود که باتوجه‌به دستاوردهای معناشناسی شناختی به‌طور عام و نظریهٔ آمیختگی مفهومی به‌طور خاص، تخیل، تصویرسازی، ماهیت پویایی و خلاقیت فرایندهای ساخت معنا را در قصه‌های عامیانهٔ ایرانی بررسی کند تا بتواند به تحلیل و خوانش دقیق‌تری از روایت‌ها دست یابد. نتایجی که حاصل شد، نشان‌دهندهٔ این بود که نظریهٔ آمیختگی مفهومی نه‌تنها قابلیت و ظرفیت کافی برای توصیف خلاقیت و پویایی فرایندهای معناساز را دارد، بلکه تبیین متفاوت و جدیدی را نیز ارائه می‌دهد.

برکت و همکاران (۱۳۹۱)، در مقالهٔ خود با عنوان «روایت‌شناسی شناختی (کاربست نظریهٔ آمیختگی مفهومی بر قصه‌های عامیانهٔ ایرانی)»، به تبیین چگونگی فرایند معناسازی و شخصیت‌پردازی در دو قصهٔ عامیانهٔ ایرانی، از منظر آمیختگی مفهومی، پرداخته‌اند. هدف از پژوهش آنها، تبیین فرایند تخیل و فرایندهای معناسازی در قصه‌های عامیانه است تا شاید براساس آن، بتوان به تحلیل و خوانش دقیق‌تری از این روایت‌ها دست یافت. نتایج حاصل حاکی از آن بود که کاربست نظریهٔ آمیختگی مفهومی بر قصه‌های عامیانهٔ ایرانی به‌طور خاص و قصه‌های عامیانه به‌طور عام، به درک ژرف‌تر این قصه‌ها کمک می‌کند.

برکت و همکاران (۱۳۹۴)، در مقالهٔ دیگری با عنوان «پیوستگی معنایی متن از منظر نظریهٔ آمیختگی مفهومی»، باتوجه‌به مبانی نظریهٔ آمیختگی مفهومی، به بررسی پیوستگی معنایی که یکی از مهم‌ترین عوامل ساخت معناست، در قصه‌های عامیانهٔ ایرانی پرداخته‌اند. نتایج بررسی‌ها نشان داد که کاربست نظریهٔ آمیختگی مفهومی می‌تواند در تحلیل پیوستگی معنایی و تفسیر متن از منظر معناشناسی شناختی راهگشا باشد و همچنین، با استفاده از انگارهٔ چهارفضاییِ مطرح‌شده در این نظریه، می‌توان چگونگی تصویرسازی در ذهن مخاطب و پیوستگی معنایی این تصاویر را با هم نشان داد.

جوانمرد (۱۳۸۸)، در پژوهشی با نام *نقش فرایند تلفیق مفهومی در روند شکل‌گیری اصطلاح‌های فارسی خودمانی جوانان*، به این نتیجه دست یافت که در زبان فارسی، بیشتر اصطلاح‌های عامیانهٔ خودمانی جوانان، از نظر ساختاری، جزء تلفیق‌های ساده و از نظر نوع شبکهٔ یک‌پارچه‌سازی، جزء تلفیق‌های دومنظرند.

این پژوهش‌ها نشان می‌دهند چگونه ذهن می‌تواند با کمک آمیختگی مفهومی، به مفاهیم پیچیده دست یابد و با ایجاد پیوستگی معنایی، باعث به‌وجودآمدن معنا و درک صحیح معنا و مفاهیم شود.

۳. مبانی نظری

در این بخش، به ادبیات نظریِ مرتبط با پژوهش حاضر پرداخته می‌شود.

۳ـ۱. اصطلاح

در ارتباطات روزمره، افراد از زبان، اشارات و حرکات بدنی استفاده می‌کنند. گویشوران هر جامعهٔ زبانی نشانه‌های برقراری ارتباط با دیگر افراد را می‌شناسند و به هنگام نیاز، آنها را به کار می‌برند؛ اما گاهی ممکن است در استفاده از این نشانه‌ها اشتباهی رخ دهد که منجر به بدفهمی شود، چه‌بسا این سوءتفاهم توسط فردی و با درک صحیحِ موقعیت رفع گردد (شقاقی، ۱۳۸۴: ۱).

تعاریف متعددی از اصطلاح وجود دارد: عبارت‌هایی حاوی یک واژه یا بیشتر که معنای کل آنها با معنای اجزای تشکیل‌دهنده‌شان متفاوت است (وکاچووا[1]، ۲۰۰۵)؛ به

1. Vokacova, J.

لحاظ معنایی تیره و استعاری (مون[1]، ۱۹۹۸)؛ عبارت‌هایی که در آنها، میان آنچه گفته می‌شود و آنچه موردنظر است، تفاوت وجود دارد (لاوال[2]، ۲۰۰۳)؛ عبارت‌هایی که معنی مجازی آنها با معنی کلماتی که اجزای تشکیل‌دهندهٔ آنها هستند، تفاوت دارد (ایبل[3]، ۲۰۰۳؛ گیبس و همکاران[4] ۱۹۸۹؛ نانبرگ[5]، ۱۹۷۸؛ تیتون و کانین[6]، ۱۹۹۹). از منظر شناختی، سازوکارهای استعاره، مجاز و دانش متعارف به‌عنوان انگیزهٔ معنایی در تولید و درک اصطلاح‌ها دخیلند؛ ازاین‌رو، می‌توان گفت که بخش‌پذیری معنایی استعاره، مجاز و دانش متعارف در تعیین معنای اصطلاح‌ها دخالت دارند. طبق نظریه‌های مختلفِ پژوهشگران، تحلیل‌های متفاوتی از اصطلاح وجود دارد؛ بنابراین، باتوجه‌به این تعاریف می‌توان اظهار داشت که اصطلاح‌ها را به‌دلیل داشتن ماهیت غیرمنطقی، می‌توان از سایر مقولات جدا کرد. در این راستا و باتوجه‌به موارد ذکر شده، گیبس و نایاک[7] (۱۹۸۹) چنین تعریفی ارائه داده است: «ساختاری که معنای آن را نمی‌توان از معنای اجزای آن تشخیص داد.» (راسخ‌مهند و شمس‌الدینی، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۳).

همچنین، به گفتهٔ نیلی‌پور (۱۳۸۲: ۱۰)، اصطلاح یا عبارت‌های اصطلاحی به واژه یا مجموعه‌واژه‌هایی گفته می‌شود که دارای ساختِ ثابت و معنای خاصی هستند و به‌دلیل شیوهٔ بیان تصویری یا معنای مجازی، مفهوم آن را نمی‌توان از معنای لفظی واژه‌های آن حدس زد. این‌گونه تعبیرهای مجازی به‌صورت استعاره یا تشبیه هستند. گاهی «اصطلاح» با «ضرب‌المثل» اشتباه گرفته می‌شود. تفاوت بین «اصطلاح» و «ضرب‌المثل» در شکل، ساختار و عملکرد آنهاست. امثال‌وحکم جمله‌ای کامل با ساختمانی استوار بر پایه‌واساس غیرقابل‌تغییر است؛ اما اصطلاح‌ها عباراتی مصطلح و عمومی‌اند که ابتدا باید در جمله‌ای جایگزین شوند تا عباراتی کامل حاصل آید. این عبارت کامل نیز، برحسب قید زمان، فاعل و مفعول، متغیر است.

---

1. Moon, R.
2. Laval, V.
3. Abel, B.
4. Gibbs, R. W. et al.
5. Nunberg, G.
6. Titone, D., & Connine, C.
7. Nayak, N. P.

مفاهیم اصطلاح‌ها را می‌توان از نظر معنایی تبیین و توصیف کرد و به تحلیل مؤلفه‌های معنایی اجزای تشکیل‌دهندهٔ آنها پرداخت و ازآنجایی‌که می‌توان به کمک نظریهٔ آمیختگی مفهومی، به چگونگی ایجاد مفاهیم پیچیده پی برد، نگارندگان در نظر دارند با استفاده از نظریهٔ آمیختگی مفهومی فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲)، به تحلیل معنا و مفهوم اصطلاح‌های فارسی بپردازند.

۳ـ۲. معنی‌شناسی شناختی

معنی‌شناسی شناختی، بخشی از جنبش زبان‌شناسی شناختی است که به مطالعهٔ معنای زبانی می‌پردازد.

معنی‌شناسی شناختی تاکنون توانسته است مبنای بسیاری از پژوهش‌های زبان ادبیات قرار گیرد. نظریهٔ معنی‌شناسی شناختی و به‌ویژه استعارهٔ مفهومی[1]، دستاوردهای نظری نوینی در حوزهٔ معنی زبان و نیز معنای زبان ادبی دارد. کوچش[2] (۲۰۱۰) عقیده دارد که استعارهٔ مفهومی امری تصوری و ذهنی است که در زبان استعاری تجلی می‌یابد؛ درواقع، نگاشتی[3] نظام‌مند بین حوزه‌های مفهومی، یعنی دو حوزهٔ مبدأ و مقصد، است که حوزهٔ مبدأ حوزه‌ای در حیطهٔ تجربیات محسوس بشری و حوزهٔ مقصد حوزه‌ای انتزاعی محسوب می‌شوند (پورابراهیم، ۱۳۹۶: ۶۵- ۶۷).

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) از دانشمندان شناختی هستند که دربارهٔ کاربردهای استعاره پژوهش‌های مهمی داشته‌اند و به‌ویژه، با کتاب *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم*، باعث تغییر نگرش ما نسبت به استعاره شده‌اند. طبق نظر آنها، استعاره تنها برای خیال‌پردازی‌های شاعرانه نیست، چراکه در زندگی روزمرهٔ ما چنان نفوذ کرده است که می‌توان ابراز داشت که دستگاه مفهومی ما، که بر پایهٔ آن می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم، در ذاتِ خود، استعاری است (Lakoff & Johnson: 1980)؛ بنابراین، ساختار مفهومی بر پایهٔ نگاشت‌های میان‌حوزه‌ای، سازمان می‌یابد که منظور از نگاشت، تطابق بین دو حوزهٔ مفهومی است (دعوت‌خواه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۵). همچنین، آنها پی برده‌اند که کاربردهای استعاره، محدود به حوزهٔ مطالعات ادبی و کاربرد واژه، عبارت یا جمله نیست

1. conceptual metaphor
2. Kovecses, Z.
3. mapping

(Lakoff & Johnson: 1980)، بلکه استعاره نقش مهمی در شناخت و درک پدیده‌ها و امور دارد (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

لیکاف (۱۹۹۲)، در مقالهٔ «نظریهٔ معاصر استعاره»، به نقد دیدگاه سنتی به استعاره می‌پردازد. از دیدگاه سنتی، زبان به دو بخش حقیقی و مجازی یا ادبی و روزمره تقسیم می‌شود. طبق این دیدگاه، استعاره انواع مختلف و کارکردهای گوناگونی دارد؛ اما یک کارکرد اصلی استعاره نوسازی و آراستن گفتار است. طبق نظر کوچش (۱۳۹۳)، استعارهٔ مفهومی عبارت است از فهم حوزهٔ مقصد براساس حوزهٔ مبدأ و اصل استعاره بر پایهٔ نگاشت‌ها استوار است. آن حوزهٔ مفهومی که از آن، عبارت‌های استعاری را استخراج می‌کنیم تا حوزهٔ مفهومی دیگری را درک کنیم، حوزهٔ مبدأ نام دارد و آن حوزهٔ مفهومی که بدین روش درک می‌شود، حوزهٔ مقصد نامیده شده است (ذوالفقاری و عباسی، ۱۳۹۴: ۱۰۹- ۱۱۱).

۳ـ۳. آمیختگی مفهومی

آمیختگی مفهومی نظریه‌ای در حوزهٔ شناختی است. اولین‌بار، فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲) این نظریه را برای معرفی فضاهای آمیختهٔ مفهومی و نقش آنها در ایجاد معنی و پیوستگی ارائه کردند. این نظریه، با مدلی چهارفضایی، به‌دنبال تبیین ساختارهای نوظهوری است که نظریهٔ استعارهٔ مفهومی در تبیین آنها ناکارآمد است (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۵؛ پورابراهیم، ۱۳۹۶: ۶۵). فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲) نمونهٔ شبکه‌ای را جایگزین نمونهٔ دوحوزه‌ای استعارهٔ مفهومی کردند که متشکل از فضاهای دروندادی[1]، یک فضای آمیخته و یک فضای عام[2] است. از مزیت‌های نمونهٔ شبکه‌ای این است که به‌وسیلهٔ آن، می‌توان چند پدیدهٔ مرتبط با استعاره را بررسی کرد، به تحلیل‌های دقیق‌تر از متون ادبی دست‌یافت و به توصیف پدیده‌های مفهومی خاص پرداخت (کوچش، ۲۰۱۰؛ به نقل از پورابراهیم، ۱۳۹۶: ۶۸).

نظریهٔ آمیختگی مفهومی بیانگر دو فضای ذهنی است که از مجموعهٔ عناصر مرتبط به هم ساخته شده‌اند و می‌توانند با هم یک واحد را تشکیل دهند، بدین صورت که عناصر از فضاهای مفهومی مختلف، با هم آمیخته و به‌صورت انتخابی، به یک فضای آمیخته فرا فکنده می‌شوند و در آخر، یک معنای جدید را به وجود می‌آورند. فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲)،

1. input spaces
2. generic space

در کتاب *شیوهٔ اندیشیدن ما*، به توصیف عملکرد ذهن پرداخته‌اند و آن را پایهٔ کارکرد ذهن در ساختن استعاره، حل مسئله، خلاقیت‌های علمی، ادبیات، آداب‌ورسوم و قصه‌های عامیانه معرفی کرده‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۳).

دیدگاه‌های متفاوتی دربارهٔ آمیختگی وجود دارد؛ کوچش (۲۰۱۰) عقیده دارد که فضاهای آمیخته، بازتاب همتاهای مبدأ و مقصدِ خود بر فضای آمیختهٔ سوم نیستند؛ به عبارت دیگر، فضاهای آمیخته حاوی عناصر جدیدی هستند که از تلفیق سادهٔ عناصر مبدأ و مقصد به وجود نمی‌آیند. به نظر کولسون[1] (۲۰۰۱)، آمیختگی حاوی سه فرایند است: تشکیل[2]، تکمیل[3] و تحلیل[4]. در فرایند تشکیل، رابطه‌ای از یک فضا به عنصر یا عناصری از فضای دیگر نسبت داده می‌شود؛ در فرایند تکمیل، الگوی ساختاری مربوط به دروندادها، با اطلاعات حافظهٔ بلندمدت منطبق می‌شود؛ و در فرایند تحلیل، با رخداد هم‌زمان اجرایی و ذهنی درآمیخته سروکار داریم. آنچه این هم‌زمانی را محدود می‌کند، منطق موجود در خودِ حوزهٔ آمیخته است (پورابراهیم، ۱۳۹۶).

فوکونیه (۱۹۹۷)، زبان را ابزاری قوی برای برانگیختن سازه‌های معنایی پویا می‌دانست و براین‌اساس، «نظریهٔ فضاهای ذهنی» را در سال ۱۹۹۴ مطرح کرد. به ادعای او، فضاها فرایندهایی را سامان می‌دهند که در پسِ فعالیت سخن‌گفتن و اندیشیدن اتفاق می‌افتند. فوکونیه و ترنر (۱۹۹۸) نظریهٔ آمیختگی مفهومی را، برپایهٔ نظریهٔ فضاهای ذهنی معرفی کردند و بر این عقیده بودند که این نظریه، چارچوبی برای بررسی پدیدهٔ انسجام اطلاعات در ذهن انسان فراهم می‌کند (برکت و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳– ۱۵).

شکل (۱) دربرگیرندهٔ انگاره یا مدل تعامل فضاهای ذهنی فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲) است.

1. Coulson, S.
2. composition
3. completion
4. elaboration

شکل ۱. مدل تعامل فضاهای ذهنی

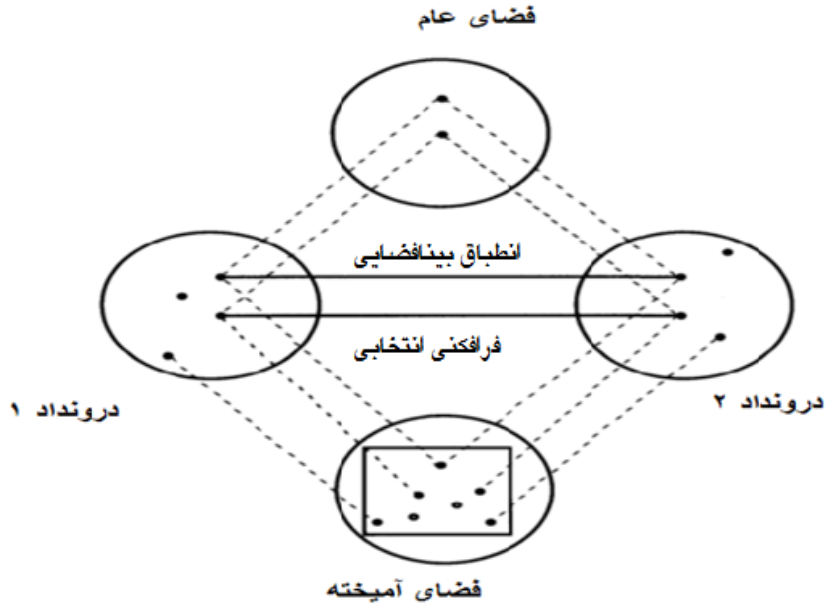

فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲: ۴۷-۴۰) بر این عقیده‌اند که فضاهای ذهنی مجموعه‌های مفهومی کوچکی هستند که به هنگام فکرکردن و صحبت‌کردن، برای اهداف خاصی، مانند درک کردن و عمل‌کردن، ساخته می‌شوند. فضاهای ذهنی به یک دانش قیاسی به نام «چارچوب» متصل می‌شوند و به‌طورکلی، برای مدل‌سازی نگاشت‌های پویا در تفکر و زبان مورداستفاده قرار می‌گیرند. همچنین، به‌طور پیش‌فرض، این فضاها حامل ساختار اضافی از بافت، فرهنگ و پس‌زمینه هستند. همان‌طور که در شکل (۱) مشاهده می‌شود، فضاهای ذهنی با دایره و عناصر موجود در آنها با نقطه و ارتباط بین عناصر موجود در فضای ذهنی از طریق خطوط مشخص شده‌اند. عناصر فضای عام اجزای متناظر موجود بین دو فضا را به وجود می‌آورند؛ به این صورت که فضای عام، انطباق بینافضایی[1] عناصر و اجزای متناظر آنها را مشخص می‌کند. فضای آمیخته با فرافکنی‌های انتخابی از دروندادها شکل می‌گیرد و با ایجاد انطباق‌های ناقص بین انگاره‌های شناختی در فضاهای مختلف در شبکه و فرافکنی ساختار مفهومی بین فضاها، ساختار نوظهوری[2] را شکل می‌دهد که به‌صورت یک مربع در شکل (۱) مشخص شده است؛

1. inner space
2. emergent structure

تفاوت ویژگی ساختار فضای آمیخته با ویژگی ساختارهای فضای درونداد باعث به‌وجودآمدن این ساختار نوظهور می‌شود. فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲)، براساس شبکهٔ آمیختگی مفهومی، این آمیختگی را در چهار گروه تقسیم‌بندی کرده‌اند:

۱. شبکه‌های ساده[1] که به یک حوزه تعلق دارند.

۲. شبکه‌های انعکاسی[2] که در آن هر دو حوزهٔ درونداد، با چارچوب مشابهی که دارند، مبنای آمیختگی قرار می‌گیرند.

۳. شبکه‌های تک‌حوزه‌ای[3] که در آن دو درونداد دارای چارچوب مجزا هستند، اما فقط یکی از آنها در آمیختگی مفهومی استفاده می‌شود.

۴. شبکه‌های دوحوزه‌ای[4] که در آنها آمیختگی مفهومی با استفاده از هر دو حوزهٔ شناختی درونداد شکل می‌گیرد.

به‌طورکلی، می‌توان گفت که معنا تنها در آمیختگی ساخته نمی‌شود، بلکه در همهٔ فضاهای درونداد ذهنی (عام و آمیخته) و قالب‌های پیش‌زمینه‌ای که در سراسر شبکه موجودند، قرار دارد؛ در واقع، فضاهای درونداد و فضای آمیخته، هم‌زمان پردازش می‌شوند (برکت و همکاران؛ ۱۳۹۱: ۲۰-۱۹).

٤. تحلیل و بحث

ویژگی‌های معناشناختی و ساختاری تعبیرها و اصطلاح‌ها با شیوهٔ بیان عادی متفاوت است. معنای اولیه یا حقیقی این عبارت‌ها حاصل از معنا و مفهوم اجزای تشکیل‌دهندهٔ آنها نیست؛ این عبارات به‌صورت غیرمستقیم بیان می‌شوند و معنای مجازی دارند. برای به‌دست‌آوردن معنا و مفهوم اصطلاح‌ها، می‌توان آنها را به شیوه‌های متفاوتی معادل‌یابی کرد (نیلی‌پور، ۱۳۸۲).

به‌طورکلی، معنای مجازیِ اصطلاح‌ها، حاصل تصورهای ذهنی و تعبیرهای استعاری در به‌کارگیری آنها باتوجه‌به بافت موردنظرشان است؛ چراکه تصورات استعاری ما از جهان پیرامون پایه‌واساس تفکر ما را سازماندهی می‌کند.

---

1. simple network
2. mirror network
3. single – scope network
4. double – scope

باتوجه‌به این توضیحات و با درنظرگرفتن ویژگی‌های بیان‌شده، می‌توان به تبیین و توصیف معنایی و مفهومی اصطلاح‌ها، براساس نظریهٔ آمیختگی مفهومی، پرداخت. نگارندگان به‌دلیل محدودیت قالب مقاله، برای تحلیل داده‌های پژوهش به ذکر چند اصطلاح اکتفا کرده‌اند که در جدول (۱) قابل مشاهده است:

جدول ۱. اصطلاح‌های فارسی

	اصطلاح	فضای تصویری	عناصر تصویرسازی	معنای مجازی
۱	موهامو تو آسیاب سفید نکردم.	تغییر وضع	مو، آسیاب	برای بیان تجربه‌داشتن
۲	هم خدا را می‌خواهد هم خرما را.	تغییر وضع	خدا، خرما	برای بیان زیاده‌خواهی
۳	زبونش مثل نیش مار می‌مونه.	حس چشایی	زبان، نیش مار	برای بیان طعنه و کنایه زدن زیاد
٤	توبهٔ گرگ مرگ است.	تغییر وضع	گرگ، مرگ	برای بیان اینکه شخصی پیوسته توبه کند، اما توبه بشکند.
٥	تا تنور داغ است نان باید پخت.	حس بساوایی	تنور، نان	برای بیان استفاده‌کردن از موقعیت و شرایط موجود
٦	او در آسمان‌ها سیر می‌کند.	فضا، حرکت	آسمان، حرکت	برای بیان شادی فراوان
۷	او در آسمان هفتم سیر می‌کند.	فضا، حرکت	آسمان، عدد ۷	برای بیان شادی فراوان
۸	چشمم آب نمی‌خوره.	حس بینایی	چشم، آب خوردن	برای بیان ناباوری
۹	دست‌وپای کسی را تو پوست گردو گذاشتن	تغییر وضع	دست، پا، پوست، گردو	برای بیان گرفتار کردن کسی
۱۰	مثل گرگ باران‌دیده	تغییر وضع	گرگ، باران	برای بیان تجربه‌داشتن
۱۱	ستارهٔ سهیل شدی.	فضا، حس بینایی	ستاره، سهیل	کم پیدا بودن
۱۲	روی سگ کسی بالا آمدن	تغییر وضع	حیوان	به‌شدت خشمگین شدن
۱۳	داغ کسی تازه شدن	حس بساوایی، تغییر وضع	داغ، تازه شدن	به یاد رنج گذشتهٔ خود افتادن، دوباره رنج‌کشیدن
١٤	آتش به‌پاکردن	تغییر وضع	آتش، به پا کردن	باعث آشوب شدن
۱۵	برج زهرمار	تغییر وضع	برج، زهر، مار	شخص عصبانی و خشمگین

- اصطلاح‌های ۱ تا ۵، ۹ و ۱۱ تا ۱۵ برگرفته از سایت‌های اینترنتی به‌صورت متفرقه است.
- اصطلاح‌های ٦، ۷، ۸ و ۱۰ برگرفته از کتاب *کاربرد اصطلاحات و تعبیرات در ترجمه* اثر نیلی‌پور (۱۳۸۲) است.

٤ـ۱. تحلیل اصطلاح‌ها

٤ـ۱ـ۱. تحلیل اصطلاح *موهامو تو آسیاب سفید نکردم*

معنای مجازی این اصطلاح بیان «تجربه داشتن» است. برای دانستن معنای مجازی اصطلاح‌ها، در ابتدا بهتر است عناصر تصویرسازی و فضای تصویری هر اصطلاح مشخص شود. در این اصطلاح، واژه‌های «مو» و «آسیاب» به‌عنوان عناصر تصویرسازی و «تغییر وضع» به‌عنوان فضای تصویری به کار می‌روند. در اینجا، «رنگ سفید» می‌تواند استعاره از داشتن سن بالا و درنهایت، داشتن تجربه برای انسان باشد. در این اصطلاح، می‌توان از عناصر تصویرسازی فوق، مفهوم تجربه داشتنِ انسان را برداشت کرد. «آسیاب» وسیله‌ای بوده است که در گذشته، برای خردکردن دانه‌هایی مانند گندم از آن استفاده می‌شده است. شخصی که در آسیاب مشغول به کار بوده، هنگام آسیاب کردن گندم یا دانه‌های دیگر، گرد سفید رنگی حاصل از گندم و مانند آن، بر روی سرش می‌نشسته است؛ بنابراین، معنای مجازی این اصطلاح برای بیان تجربه به کار می‌رود. برای تحلیل معنای جمله، به چند حوزه نیاز است. یک حوزه متعلق به سفیدی مو در انسان و یک حوزه متعلق به آسیاب است و حوزهٔ سومی وجود دارد که فرد در آسیاب کار نمی‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر، ما به فضای ذهنی‌ای دست می‌یابیم که در آن حوزه‌های مربوط به‌صورت یک حوزهٔ واحد با هم آمیخته می‌شوند و معنای مجازی آن دریافتنی است؛ زیرا آمیختگی امری تخیلی است.

در شکل (۲)، از ترکیب مفهوم فضاهای دروندادی و فضای عام، فضای آمیخته‌ای شکل می‌گیرد که در این میان، فضای عام نقش سازماندهی ارتباطات بین دروندادها و فضای آمیخته را بر عهده دارد. درواقع، فضای عام، فضایی است که نقش‌ها، چارچوب‌ها و طرح‌های مشترک میان فضاها را منعکس می‌کند و یک فضای فراگیر در شبکهٔ آمیختگی محسوب می‌شود که حاصل ساختار مفهومی مشترک میان دو فضای دروندادی است. همان‌طور که در شکل (۲) مشاهده می‌شود، معنای نوظهور در فضای آمیخته حاصل عملکرد هر دو فضای دروندادی و برگرفته از ساختار فضای آمیخته است که در درون یک مربع نشان داده شده است؛ فضای آمیخته، فضایی فعال و برای ساخت معنا ضروری است. در ساختار معنایی، با دو فضای مفهومی مواجهیم و عملکرد مفاهیم میان حوزه‌ها، باعث ایجاد مفهوم «تجربه داشتن» می‌شود. مفهوم موارد فوق در هیچ‌یک از فضاهای دروندادی به‌صراحت بیان نشده است؛ اما از تلفیق ویژگی‌های مشترک مفاهیم حوزه‌های

دروندادی، این مفهوم که همان معنای نوظهور در فضای آمیخته است، نمایان می‌شود. در شکل (۲)، این شبکهٔ آمیختگی (تلفیق) به‌دلیل داشتن یک فضای آمیخته، از نظر ساختاری، یک آمیختگی ساده و از نظر نوع شبکهٔ یک‌پارچه‌سازی، تلفیقی دوحوزه‌ای است؛ زیرا دو فضای درونداد دارای چارچوبی جداگانه هستند و هر دو در ساخت مفهوم آمیختگی مشارکت داشته‌اند.

شکل ۲. فضای آمیختهٔ اصطلاح ۱

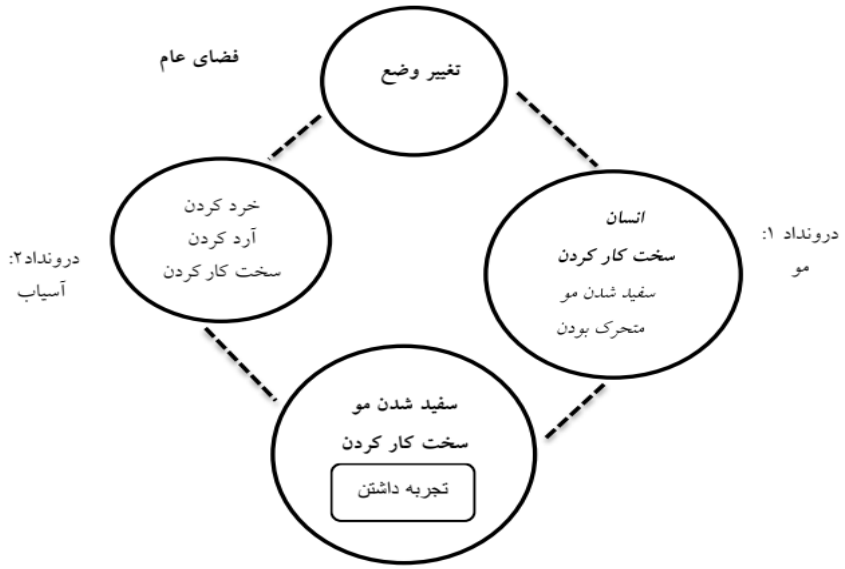

٤ـ۱ـ۲. تحلیل اصطلاح *توبهٔ گرگ مرگ است*

معنای مجازی این اصطلاح برای بیان موقعیتی است که در آن، «شخصی پیوسته توبه کند، اما توبه بشکند»؛ درواقع، «شخص دست از عادتش برنمی‌دارد». شخصی که به کار زشتی عادت کرده و دست‌بردار نیست و مردم هم از آن آگاه‌اند، اگر زمانی، در شرایط سخت، اظهار ندامت کند و یک‌شبه عابد شود، مردم حرف او را باور نمی‌کنند و این اصطلاح را به کار می‌برند. این اصطلاح، داستان زندگی این‌گونه افراد است که پیوسته توبه می‌کنند و توبه می‌شکنند و تنها مرگ مددیار آنهاست. در اینجا «گرگ» استعاره از «انسان» است، چراکه انسان‌ها دچار ندامت و پشیمانی می‌شوند و توبه می‌کنند؛ بنابراین، «گرگ» نماد «انسان» است. ازآنجاکه یک حیوان نمی‌تواند توبه کند، به گرگ شخصیت انسانی

(انسان‌پنداری) نسبت داده شده است. در فضای آمیخته، گرگی وجود دارد که توبه می‌کند. توبه کردنِ یک گرگ با جهان واقع منافات دارد؛ اما در فضای آمیخته، به‌دلیل تشکیل و تکمیل شدن فضاها، گرگ می‌تواند توبه کند؛ زیرا فضای آمیخته امری تخیلی است. همچنین، یک فضای عام وجود دارد که باعث سازماندهی این ارتباطات می‌شود. در این فضای عام، انسان‌پنداری «گرگ» شکل می‌گیرد و ویژگی‌های انسان به گرگ نسبت داده می‌شود (نسبت دادن حالتی انسانی به غیرانسانی). در این اصطلاح، واژه‌های «گرگ» و «مرگ» به‌عنوان عناصر تصویرسازی و «تغییر وضع» به‌عنوان فضای تصویری به کار رفته‌اند.

شکل ۳. فضای آمیختهٔ اصطلاح ٤

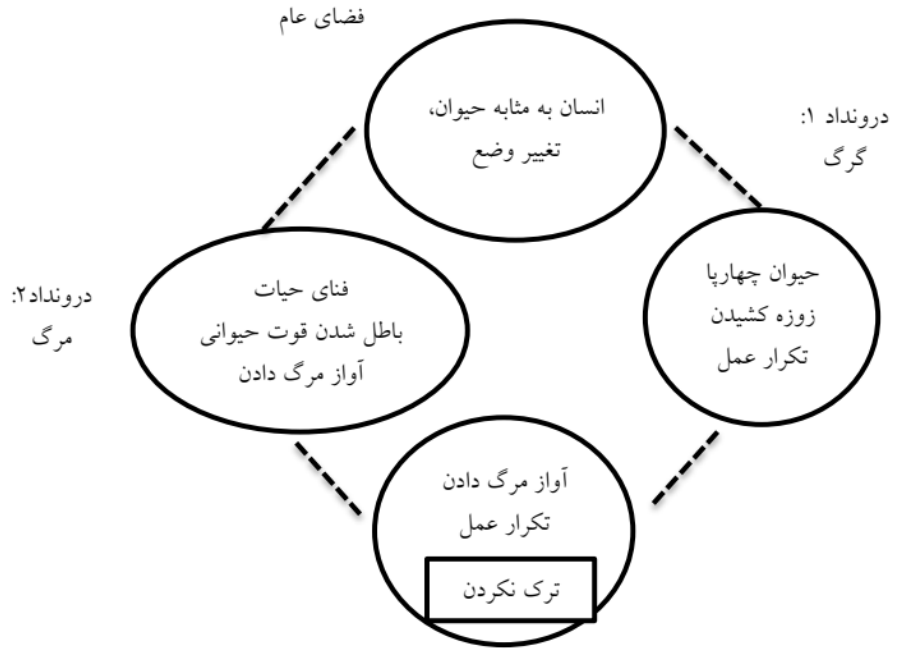

در شکل (۳)، در ساختار معنایی، با دو فضای مفهومی مواجه هستیم و عملکرد مفاهیم میان حوزه‌ها، باعث ایجاد مفهوم «ترک نکردن عادت» می‌شود.

٤ـ۱ـ۳. تحلیل اصطلاح *داغ کسی تازه شدن*

معنای مجازی این اصطلاح «به یاد رنج گذشتهٔ خود افتادن» و «دوباره رنج کشیدن» است. واژهٔ «داغ»، در لغت، معنای بسیاری دارد، مانند «گرم» و «لکهٔ بازمانده از سوختگی یا کوفتگی بر پوست». در اینجا، واژهٔ «داغ» استعاره از «احساس دریغ و درد» است. می‌توان این گونه بیان کرد که درد و رنج ناشی از سوختگی و کوفتگی باعث حسرت انسان از آن اتفاق می‌شود و تأثیرات روحی مانند حسرت و ندامت دارد؛ بنابراین، برای بیان معنا و مفهوم در اصطلاح فوق، از این شباهت‌ها استفاده می‌شود. در اصطلاحی مانند «داغ کسی تازه شدن» با دو قلمرو مفهومی سروکار داریم: واژهٔ «داغ» به‌عنوان قلمروی مبدأ و حوزهٔ مفهومی «احساس حسرت و اندوه» به‌عنوان قلمروی مقصد یا هدف. در این اصطلاح، عناصر تصویرسازیِ «داغ» و «تازه شدن» به‌عنوان دروندادها و فضای تصویری «تغییر وضعیت/ حس بساوایی» به‌عنوان فضای عام قلمداد می‌شوند که از تلفیق مفهومی این عناصر، فضاهای ذهنی و تصویری به وجود می‌آیند و معنای مجازی که همان تلفیق مفهومی است، حاصل می‌شود.

شکل ٤. فضای آمیختهٔ اصطلاح ۱۳

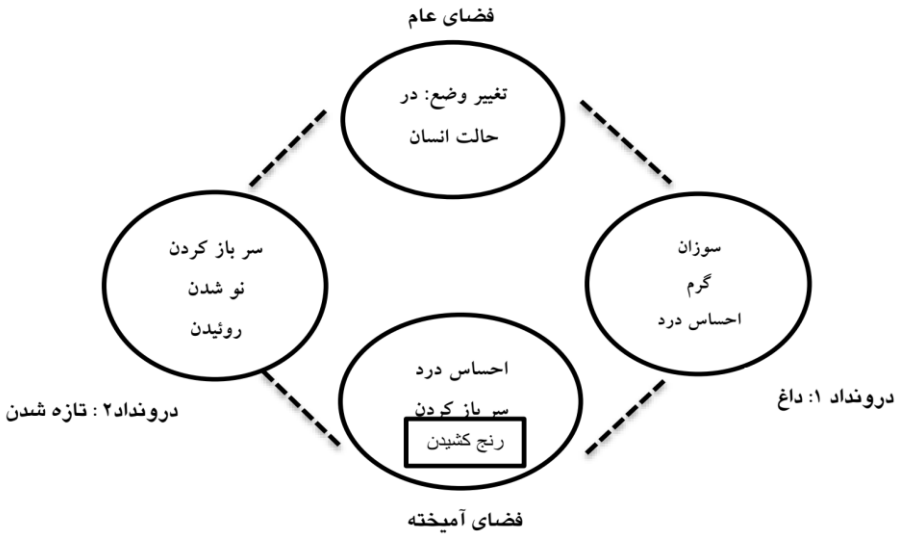

در شکل (۴)، عملکرد مفاهیم میان‌حوزه‌ای، باعث ایجاد مفهوم «رنج کشیدن» می‌شود.

٤ـ١ـ٤. تحلیل اصطلاح مثل *گرگ باران‌دیده*

از نظر معنای مجازی، این اصطلاح برای بیان «تجربه داشتن» به کار می‌رود. این ترکیب وصفی کنایه از افراد مجرب و آزموده است که گرم و سرد روزگار را چشیده‌اند. دربارهٔ ریشهٔ این اصطلاح گفته‌اند که گرگ بچه از باران می‌ترسد و در وقت باران، از سوراخ خود بیرون نمی‌آید، هرچند گرسنه و تشنه باشد؛ اما هنگامی‌که گرگی بیرون از خانهٔ خود باشد و درگیر باران شود و ببیند از او آفتی و ضرری نمی‌رسد، بار دیگر دلیر می‌شود و از باران نمی‌ترسد. آمده است که عبارت باران‌دیده همان بالان‌دیده است. در اینجا، معنی لغوی بالان، دام و تله است؛ یعنی گرگی که یک بار در تله افتاده یا از دام و کمین شکارچی رسته باشد، تجربه‌ای گران‌بها دارد و دیگر گرفتار نخواهد شد. در این اصطلاح، واژهٔ «گرگ» استعاره از «انسان» است و به گرگ شخصیت انسانی نسبت داده شده است (انسان‌پنداری). این ویژگیِ انسان‌پنداری به‌عنوان فضای عام در نظر گرفته می‌شود؛ در این فضای عام، انسان‌پنداری گَرگ شکل می‌گیرد و ویژگی‌های انسان به گرگ نسبت داده می‌شود. از تلفیق مفهومیِ عناصر تصویرسازی «گرگ» و «باران‌دیده» به‌عنوان دروندادها و «تغییر وضع» به‌عنوان فضای تصویری و فضای عام، فضای آمیخته‌ای به وجود می‌آید که از طریق آن، می‌توان به معنا و مفهوم اصطلاح پی برد.

شکل ۵. فضای آمیختهٔ اصطلاح ۱۰

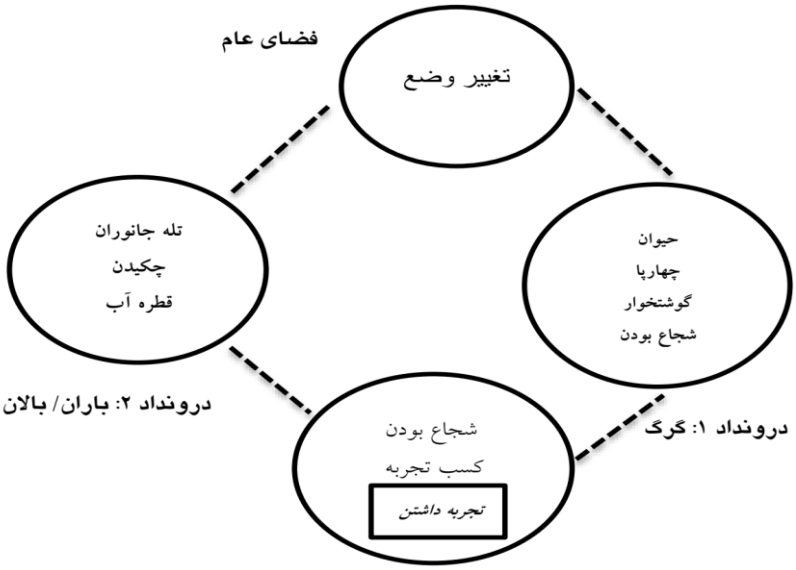

در شکل (۵)، عملکرد مفاهیم میان‌حوزه‌ای، باعث ایجاد مفهوم «تجربه داشتن» می‌شود.

٤ـ۱ـ۵. تحلیل اصطلاح *آتش به پا کردن*

معنای مجازی این اصطلاح «باعث آشوب شدن» است. این عبارت به جنبهٔ «شروع آتش» اشاره دارد. در روند ساخت این اصطلاح، واژهٔ «آتش» نقش اساسی برای درک معنا و مفهوم آن دارد و استعاره از «آشوبگری» است. معنی لغوی واژهٔ «آتش»، حرارت، گرما و شعله است. همان‌طور که اشاره شد، در روند ساخت اصطلاح‌ها، علاوه بر واژگان، قلمروی مفهومی آنها نیز نقش مهمی دارند و قادرند مفاهیم عمیقی را ایجاد کنند. دو واژهٔ «آتش» و «به‌پاکردن» به‌عنوان عناصر تصویرسازی و «تغییر وضع» به‌عنوان فضای تصویری به کار می‌روند. عناصر تصویرسازی به‌عنوان دروندادها در نظر گرفته می‌شوند که از تلفیق مفهومی این عناصر و فضای تصویری که به‌عنوان فضای عام در نظر گرفته می‌شود، می‌توان به معنا و مفهوم اصطلاح پی برد. فضای عام، ارتباطات موجود در شبکهٔ آمیختگی مفهومی را سازمان‌دهی می‌کند.

شکل ٦. فضای آمیختهٔ اصطلاح ١٤

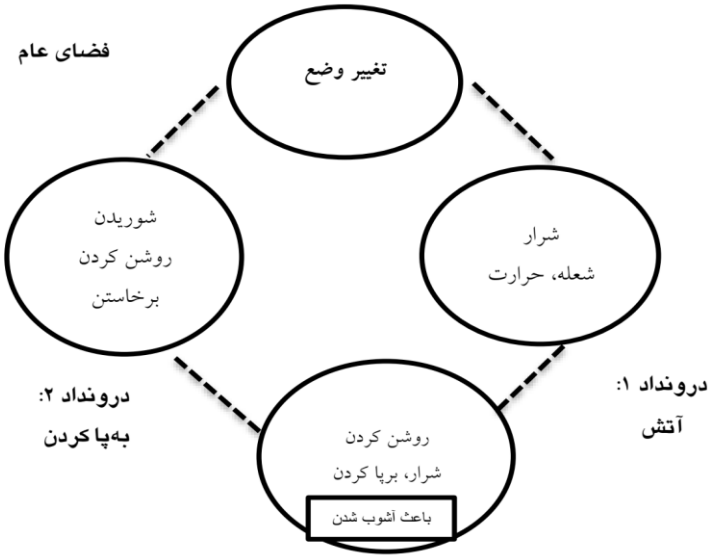

در شکل (۶)، عملکرد مفاهیم میان‌حوزه‌ای، باعث ایجاد مفهوم «باعث آشوب شدن» می‌شود.

جدول ۲: تحلیل اصطلاح‌ها

	اصطلاح	دروندادِ ۱	دروندادِ ۲	فضای عام
۱	هم خدا را می‌خواهد هم خرما را.	خدا	خرما	تغییر وضع
۲	زبونش مثل نیش مار می‌مونه.	زبان	نیش مار	حس چشایی
۳	تا تنور داغ است نان باید پخت.	تنور	نان	حس بساوایی
٤	او در آسمان‌ها سیر می‌کند.	آسمان	حرکت	فضا – حرکت
٥	او در آسمان هفتم سیر می‌کند.	آسمان	عدد ۷	فضا – حرکت
٦	چشمم آب نمی‌خوره.	چشم	آب خوردن	حس بینایی
۷	دست‌وپای کسی را تو پوست گردو گذاشتن	دست‌وپا	پوست – گردو	تغییر وضع
۸	ستارهٔ سهیل شدی.	ستاره	سهیل	فضا – حس بینایی
۹	روی سگ کسی بالا آمدن	سگ (حیوان)	بالا آمدن	تغییر وضع
۱۰	برج زهرمار	برج	زهرمار	تغییر وضع

۵. نتیجه‌گیری

آمیختگی مفهومی، نظریه‌ای در حوزهٔ شناختی محسوب می‌شود که فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲) برای معرفی فضاهای آمیختهٔ مفهومی و نقش آنها در ایجاد معنی و پیوستگی ارائه کردند. یکی از دستاوردهای آمیختگی مفهومی، تبیین و توصیف چگونگی عملکرد فعالیت‌های زبانی و شناختی انسان است. آمیختگی مفهومی را می‌توان در حوزه‌های مختلف مشاهده کرد. این پژوهش درصدد بود که با کمک نظریهٔ آمیختگی مفهومی، به تبیین و توصیف فرایند ساخت و ادراک مفاهیم اصطلاح‌های رایج زبان فارسی بپردازد. اصطلاح‌ها، از ادغام مفاهیمِ اجزایِ تشکیل‌دهندهٔ خود حاصل می‌شوند؛ چراکه دارای پیچیدگی‌های چندلایه‌ایِ مفاهیم و درهم‌تنیدگی چند مفهوم در چند واژهٔ مختصر و عبارت کوتاهند. همچنین، اصطلاح‌ها ذاتاً مفهومی هستند؛ زیرا شناخت و درکی که انسان از جهان پیرامون خود به دست می‌آورد، به فهم معانی آنها کمک می‌کند؛ بنابراین، به‌دلیل داشتن معنای غیرصریح و مجازی، برای درک آنها، نیاز به ایجاد فضای مفهومی است. نتیجهٔ حاصل از پژوهش نشان داد که می‌توان به‌وسیله نظریهٔ آمیختگی مفهومی، به تبیین و توصیف اصطلاح‌ها پرداخت؛ زیرا آمیختگی مفهومی در همهٔ حوزه‌ها می‌تواند کاربرد داشته باشد و از تلفیق مفهومی عناصر تصویرسازی و فضای تصویری موجود در اصطلاح‌ها، می‌توان به معنا و مفهوم آنها پی برد. تبیین و توصیف اصطلاح‌ها بسیار پیچیده است؛ زیرا دارای

مشخصات خاصی هستند که باعث این پیچیدگی می‌شوند. همچنین بررسی نمودارهای آمیختگی مفهومی در داده‌های پژوهش نشان داد که ساختار آمیختگی مفهومی اصطلاح‌ها از نوع شبکه‌های دوحوزه‌ای است که در آنها، آمیختگی مفهومی با استفاده از هر دو حوزهٔ شناختی درونداد شکل می‌گیرد. تصویرهای ذهنی ما از جهان پیرامون‌مان، باعث ساخت استعاره‌های گوناگون در زبان و به‌وجودآمدن تعبیرهای استعاری با معنای مجازی می‌شود که حاصل تلفیق مفهومی این تصورات ذهنی و استعاری، در هنگام کاربرد در بافت موردنظر است (به عبارتی، کلمات و عباراتی که به اشیاء نسبت داده می‌شود، در اصل، بر ذهن انسان و فعالیت‌های آن دلالت می‌کرده و سپس، از طریق فرافکنی و امور طبیعی، قابل‌حمل شده است). علاوه بر این، درمورد فضای آمیخته می‌توان بیان کرد که این فضا یکی از مؤلفه‌های مهم و ضروری فرافکنی مفهومی است و جنبه‌های مهم معنا (استنباط‌ها، احساسات و خلاقیت) را نمی‌توان بدون آن توجیه کرد.

تصورات استعاری که ما از جهان پیرامون خود داریم در قالب تعبیرهای استعاری، مانند تشبیه، استعاره، اصطلاح و ضرب‌المثل، در زبان روزمره کاربرد پیدا می‌کنند. کاربرد اصطلاح‌ها در زبان روزمره، دلایل متعددی دارد. یکی از این دلایل، شناختی است. به این صورت که هم در تولید و هم در درک زبان، میان‌بُرهای ذهنی فراهم می‌آورد؛ مثلاً گوینده به‌راحتی برای توصیف تصویری کاملاً واضح از عصبانی شدن، اصطلاح «از کوره دررفتن» را به کار می‌برد؛ بنابراین، شنوندگان به‌خاطر آشنایی با اصطلاحِ موردنظر، به‌راحتی معنای مجازی آن را متوجه می‌شوند (راسخ‌مهند و شمس‌الدینی، ۱۳۹۱: ۱۴).

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Ghazal Baghbani https://orcid.org/0000-0003-1154-8891

Fatemeh Karampour https://orcid.org/0000-0001-8719-8985

منابع

اردبیلی، لیلا. (۱۳۹۲). *معناشناسی شناختی و کارکرد نظریه آمیختگی مفهومی در قصّه‌های عامیانه ایرانی*، رسالهٔ دکتری، دانشگاه پیام نور، تهران.

اردبیلی، لیلا. (۲۰۱۸). نظریهٔ آمیختگی مفهومی و داستان‌های خیالی. *ویژه‌نامهٔ «هشتمین سالگرد انسان‌شناسی و فرهنگ»*، برگرفته از:

http://www.anthropology.ir/node

اردبیلی، لیلا، برکت، بهزاد، روشن، بلقیس و محمدابراهیمی، زینب. (۱۳۹۴). پیوستگی معنایی متن از منظر نظریهٔ آمیختگی مفهومی. *دوماهنامهٔ جستارهای زبانی*، ۶(۵)، ۲۷-۴۷.

برکت، بهزاد، روشن، بلقیس، محمدابراهیمی، زینب و اردبیلی، لیلا. (۱۳۹۱). روایت‌شناسی شناختی (کاربست نظریهٔ آمیختگی مفهومی بر قصّه‌های عامیانه ایرانی). *ادب پژوهی*، ۶(۲۱)، ۹- ۳۲.

پورابراهیم، شیرین. (۱۳۹۶). کاربست نظریهٔ آمیختگی مفهومی در مفهوم‌سازی شهادت در شعر پایداری. *نشریهٔ ادبیّات پایداری*، ۹(۱۷)، ۶۵-۸۵.

جوانمرد، لیلا. (۱۳۸۸). *نقش فرایند تلفیق مفهومی در روند شکل‌گیری اصطلاح‌های فارسی خودمانی جوانان*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س)، تهران.

دعوت‌خواه، فرهاد، صراحی، محمدامین و برکت، بهزاد. (۱۳۹۵). ساختار زمان در رمان چشم‌هایش از منظر معنی‌شناسی شناختی. *نقد و نظریهٔ ادبی*، ۱(۱)، ۱۱۷-۱۳۷.

ذوالفقاری، اختر و عباسی، نسرین. (۱۳۹۴). استعارهٔ مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در اشعار ابن‌خفاجه. *فصلنامهٔ پژوهش‌های ادبی و بلاغی*، ۳(۱۱)، ۱۲۰-۱۰۵.

راسخ‌مهند، محمد و شمس‌الدینی، مونا. (۱۳۹۱). طبقه‌بندی معنایی اصطلاح‌های فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی. *ادب‌پژوهی*، ۲۰(۶)، ۱۱-۳۲.

شقاقی، ویدا. (۱۳۸۴). اصطلاح‌های تخصّصی در مطالعات زبانی، *مجلهٔ نامهٔ فرهنگستان*، ۷(۱)، ۵۱-۶۰.

عامری، حیات، خیرآبادی، رضا و خیرآبادی، معصومه. (۱۳۹۴). بررسی فضاهای ذهنی در متون خبری روزنامه‌های ایران. *علم زبان*، ۳(۴)، ۱۵۵-۱۷۸.

کوچش، زلتن (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*. ترجمه: شیرین پورابراهیم. تهران: سمت.

نیلی‌پور، رضا. (۱۳۸۲). *کاربرد اصطلاح‌ها و تعبیرات در ترجمه*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

هاشمی، زهره. (۱۳۸۹). نظریهٔ استعارهٔ مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون. *ادب پژوهی*، ۴(۱۲)، ۱۱۹-۱۴۰.

References

Abel, B. (2003). English idioms in the first language and second language lexicon: A dual representation approach. *Second language research*, 19, 329-358.

Coulson, S (2001). *Semantic Leaps*. Cambridge: Cambridge University Press.

Dancygier, B. (2006). Blending and Narrative Viewpoint: Jonathan Raban's Travels through Mental Spaces. *Language and Literature*, 14(2), 99- 127.

Fauconnier, G. (1985). *Mental Spaces*. Cambridge: M A. MIT Press.

Fauconnier, G. (1997). *Mappings in Thought and language*. Cambridge: Cambridge University Press.

Fauconnier, G. (2000). Compression and Global Insight. *Cognitive Linguistics*, 11(4), 283- 304.

Fauconnier, G., & Turner, M. (1994). *Conceptual Projection and Middle Spaces*. Unpublished Manuscript.

Fauconnier, G., & Turner, M. (1998). Conceptual Integration Networks. *Cognitive Science*, 22(2), 33-187.

Fauconnier, G., & Turner, M. (2002). *The Way We Think: Conceptual Blending and the Mind's Hidden Complexities.* New York: Basic Books.

Fauconnier, G., & Turner, M. (2003). Conceptual Blending, Form and Meaning. *Cognitive Semiotics*, 19, 57- 86.

Gibbs, R. W., & Nayak, N. P. (1989). Psycholinguistic studies on the syntactic behavior of idiom. *Cognitive Psychology*, 21, 100-138.

Gibbs, R. W., Nayak. N. P., & Keppel, M. E. (1989). Speakers assumtions about the lexical flexibility of idioms. *Memory and Cognition*, 17, 58-68.

Grady, J., Oakley, T., & Coulson, S. (1999). *Blending and Metaphor*. Arizona: University of Arizona.

Joyce, J. (1922). *Ulysses*. New York Times Book Review.

Kövecses, Z. (2010). *Metaphor*: A Practical Introduction. New York: Oxford University Press.

Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live by*. Chicago: Chicago University Press.

Laval, V. (2003). Idiom comprehension and metapragmatic knowledge in French children. *Journal of Pragmatics*, 35, 723-739.

Nunberg, G (1978). *The pragmatics of refrence*. Bloomington, IN: Indiana University Linguistics.

Semino, E. (2006). Blending and Characters' Mental Functioning in Virginia Woolf's Lappin and Lapinova. *Language and Literature*, 15(1), 55-72.

Sinding, M. (2005). Genera mixta: Conceptual Blending and Mixed Genres in Ulysses. New. *Literary History*, 36(4), 589-619.

Titone, D., & Connine, C. (1999). On the compositional and noncompositional nature of idiomatic expression. *Journal of Pragmatics*, 31, 1656-74.

Turner, M. (1991). *Reading Minds*. Princeton University Press.

Ameri, H., Khairabadi, R., & Khairabadi, M. (2016). Study of mental spaces in news texts of Iranian newspapers. *Science of Language*, 3(4), 155-178. [In Persian].

Ardabili, L. (2014). *Cognitive Semantics and the Function of Conceptual Blending Theory in Iranian Folk Tales*. PhD Thesis Payame Noor University of Tehran. [In Persian].

Ardabili, L. (2018). Theory of Conceptual Fusion and Fiction Special Issue. *8th Anniversary of Anthropology and Culture*, Retrieved from: http://www.anthropology.ir/node [In Persian].

Ardebili, L., Barekat, B., Rovshan, B., & Mohammad Ebrahimi, Z. (2016). Semantic continuity of the text from the perspective of the theory of conceptual fusion. *Bimonthly of Linguistic Essays*, 6(5), 27-47. [In Persian].

Barakat, B., Rovshan, B., & Mohammad Ebrahimi, Z., & Ardebili, L. (2013). Cognitive Narrative (Application of Conceptual Blending Theory to Iranian Folk Tales). *Literary Research*, 6(21), 9-32. [In Persian].

Davatkhah, F., Sorahi, M., & Barekat, B. (2017). The structure of time in the novel of his eyes from the perspective of cognitive semantics. *Literary Criticism and Theory*, 1(1), 117-137. [In Persian].

Hashemi, Z. (2011). Theory of Conceptual Metaphor from the Viewpoint of Lakoff and Johnson. *Literary Research*, 4(12), 119-140. [In Persian].

Javanmard, L. (2010). *The Role of Conceptual Integration Process in the Formation of Youth Familiar Persian Terms, M.Sc*. Thesis. Al-Zahra University. Tehran. [In Persian].

Kövecses, Z. (2015). *Applied Introduction to the Metaphor*. Translation by Shirabraim. Tehran: Samt. [In Persian].

Nilipour, R. (2004). *The use of terms and expressions in translation*. Tehran Payame Noor University Press. [In Persian].

Poorabrahim, S. (2018). Application of the Theory of Conceptual Blending in the Conceptualization of Martyrdom in Poetry of Sustainability. *Journal of Sustainability Literature*, 9(17), 65-85. [In Persian].

Rasekhmahand, M., & Shams al-Dini, M. (2013). Semantic Classification of Persian Terms from the Perspective of Cognitive Linguistics. *Literary Research*, 6(20), 11-32. [In Persian].

Shaqaqi. V. (2006). Specialized Terms in Language Studies. *Journal of the Academy*, 7(1), 51-60. [In Persian].

Zolfaghari, A., & Abbasi, N. (2016). Conceptual metaphor and pictorial schemas in Ibn Khafajah's poems amp. *Journal of Literary and Rhetorical Research*, 3(11), 105-120. [In Persian].

استناد به این مقاله: باغبانی، غزل، کرمپور، فاطمه. (۱۴۰۰). بررسی و تبیین معنا و مفهوم اصطلاح‌های فارسی برمبنای نظریهٔ آمیختگی مفهومی. *علم زبان*، ویژه‌نامه کرونا، سال ۸، ۱۹۷- ۲۲۲.

Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.